

حقوق ناشنوایان

علی نوری^۱

اشاره

ناشنوایان مانند دیگر اقشار جامعه حق و حقوقی دارند. برخی از این حقوق مربوط به همه انسان‌ها است و به اصطلاح حقوق بشر است. و سازمان‌های بین‌المللی عهده‌دار تصویب و نظارت بر آن می‌باشند و بخشی هم داخلی است و توسط مراکز قانون‌گذاری داخل کشور، تصویب می‌گردد. هر دو دسته در این مقاله بررسی و گزارش شده است. در تاریخ بشر هرچه به گذشته می‌رویم، حقوق معلولان تضعیف می‌شود ولی هرچه به طرف معاصر می‌آییم حقوق‌گرایی این قشر تقویت می‌گردد؛ بطوری که هم‌اکنون دفاع حقوقی از آنان مد روز شده و پیروان مکاتب و ادیان خود را طرفدار نشان می‌دهند. این مقاله در دو بخش به بررسی حقوق ناشنوایان می‌پردازد، نخست قوانینی که دوره معاصر توسط مجامع جهانی تصویب شده بررسی می‌شود و در بخش دوم قوانین مصوب در ایران در دفاع از ناشنوایان تجزیه و تحلیل خواهد شد.

ناشنوایان در قوانین جهانی

در بیانیه جهانی حقوق بشر، اجرای حقوق بشر مانند رهایی از جنگ، خشونت، گرسنگی، آزادی آموزش و پرورش، استخدام، فعالیت‌های فرهنگی ازدواج و تشکیل خانواده و عقاید مذهبی و سیاسی در جامعه جوانان ناشنوای کشورها و ملتها مورد تأکید قرار گرفته است.

سازمان ملل:

اعضای این سازمان، حقوق بشر را برای همه انسان‌ها، به ویژه معلولان ناشنوا قابل اجرا می‌دانند. اعلامیه حقوق بشر، ناشنوایان جوان و بزرگسال را نیز شامل می‌شود. چالش موجود در تفسیر و ترجمه این حقوق، نه تنها در تئوری، بلکه در عمل نهفته است. بنابراین، جوانان نیز می‌توانند آزادی‌های شخصی و پیشرفت کامل فردی خویش را ارتقا بخشند. اگر ناشنوایان به تسهیلات ارائه شده در محیط‌های آموزشی دسترسی نداشته باشند، حق داشتن آموزش و پرورش بی‌معناست. اگر در این مدارس به زبانی که برای کودکان ناشنوا و نامفهوم باشد تدریس نشود، حق شرکت در مدرسه بی‌معناست.

هنگامی که در سال‌های اولیه به کودکان ناشنوا اجازه داده نمی‌شود از آموزش زبان اشاره بهره‌مند گردند، حق آنان نادیده گرفته شده است. در حالی که تعداد بسیاری از ناشنوایان در سراسر جهان به علت محدودیت رشته‌های تحصیلی در دوران متوسطه، قادر به ادامه تحصیلات دانشگاهی نیستند، داشتن تحصیلات عالی بی‌معنا به نظر می‌رسد. دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی، آرمانی است که از آن حمایت می‌شود و طبق اصل مساوات در بیانیه حقوق بشر، خدمات نباید تنها منحصر به ابتدایی‌ترین شکل دسترسی به خدمات گردد. به بیان دیگر، مساوات نباید تنها با فراهم آوردن خدماتی محدود سنجیده شود، بلکه باید با توجه به همه منابع لازم برای جوانان ناشنوا و در جهت به دست آوردن اهداف آموزشی که آنان برای خود در نظر گرفته‌اند، قیاس شود.

اصول حقوق بشر درباره برابری حضور در اجتماع، باید از جوانان ناشنوا، همچون سایر افراد عادی حمایت کند. با وجود این، این ایده‌آل‌ها را نباید به معنای جدایی جوانان ناشنوا از یکدیگر تفسیر کرد. جوانان ناشنوا در کنار یکدیگر می‌توانند تمام توان خویش را آشکار سازند. حتی

۱. کارشناس امور معلولین و ناشنوایان.

شاید کسانی که در کودکی به جامعه ناشنوایان دسترس نداشته‌اند، در بزرگسالی نیاز مبرم و بیشتری به این گونه جوامع سازنده دارند. جوانان ناشنوا که در میان انبوهی از سازمان‌های غیر ناشنوایان قرار گرفته‌اند و از یکدیگر جدا شده‌اند، قادر به حضور و شرکت کامل در برنامه‌های شخصیت‌سازی فردی و مدیریتی کاربردی نیستند. همگی آنان باید در نشست‌ها، فعالیت‌ها و سازمان‌های جوانان غیر ناشنوا، شرکت کنند و از خدمات رابطان زبان اشاره و دیگر گونه‌های ارتباط غیرکلامی، بهره‌مند باشند. پیشرفت‌های جدید در آزمایشگاه‌های ژنتیک، مسائل اولیه انسانی را در صف مقدم قرار داده است. جوانان ناشنوا، نباید در امر ازدواج، مجبور به اتخاذ تصمیماتی شوند که با قوانین انتخاب همسر مغایر باشد. همچنین، ناشنوایان نباید با ترس از محروم شدن از حقوق بشر، مجبور به استفاده از تحولات پزشکی در خود یا فرزندان خود گردند. ناشنوایان در امر ازدواج خود، نباید با مشکلات مادی-اجتماعی‌ای روبه‌رو شوند که افراد عادی یا افرادی که دارای فرزندان شنوا هستند، مجبور به روبه‌رو شدن با آن نیستند. ناشنوایان نباید صرفاً به علت تهدیدات دولت و سازمان‌ها، مبنی بر جلوگیری از حضور کامل کودکان ناشنوا در اجتماع، از داشتن فرزند محروم شوند. ناشنوایان برای اینکه بتوانند این حق را برای خود و نسل‌های آینده خویش حفظ کنند، باید با گروه‌های مختلف اجتماعی-سیاسی و علمی در ارتباط باشند. در جوامع ناشنوایان، مراوده و برقراری ارتباط میان ناشنوایان کشورهای مختلف، اعم از کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، باید در جوی مملو از احترام متقابل نسبت به تجارب گوناگون صورت گیرد. حضور جوانان در رویدادهای بین‌المللی، باید همچون مسیر یک طرفه‌ای باشد که در آن، کشورهای توسعه یافته، دانش خویش را برای کشورهای در حال توسعه به ارمغان می‌آورند. حقوق جوانان ناشنوا، مختص کشورها و یا ایدئولوژی‌های مذهبی یا سیاسی خاص نیست. حقوق بشر، اصلی جهانی و بین‌المللی است و ناشنوایانی که با جوانان ناشنوا سر و کار دارند، نباید تصور کنند معیاری آرمانی و از پیش تعیین شده درباره حقوق جوانان ناشنوا وجود دارد که مختص یک کشور توسعه یافته است. لازمه دستیابی به حقوق بشر کامل برای جوانان ناشنوا، به رسمیت شناختن قوانین اساسی حقوق بشر و احترام به روش‌های گوناگون شناخت حقوق ناشنوایان در جوامع

بزرگ‌تر است. تحقق این امر، مستلزم احترام گذاشتن به ناشنوایان، به عنوان افرادی منحصر به فرد در جوامع بزرگ‌تر و محترم شمردن تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی و ملی در جامعه ناشنوایان است.

اعلامیه حقوق بشر:

ماده یکم اعلامیه جهانی حقوق بشر، تأکید می‌کند که همه انسان‌ها آزاد به دنیا می‌آیند و از نظر حقوق و مرتبه انسانی برابرند. قوه تعقل و وجدان به آنان ارزانی گشته و باید با روحیه برادری با یکدیگر رفتار نمایند. این اعلامیه، خطوط کلی حقوق بشر، از جمله حقوق مربوط به زندگی خانوادگی، ارتباطات، حضور سیاسی و اجتماعی، آموزش و پرورش، استخدام و سایر شئون زندگی را ترسیم می‌کند.

آیا ناشنوایان، از نظر مرتبه و شأن انسانی و حقوق در کلیه این موارد، با دیگران برابرند؟ چه تدابیری برای حمایت از این حقوق اتخاذ گردیده و چه ابزارهایی در دسترس ناشنوایان قرار دارد که آنان را از رعایت حقوقشان مطمئن سازد؟ مقوله حقوق بشر، آن چنان گسترده است که مجال بررسی همه جنبه‌های آن، در چنین مقاله‌ای وجود ندارد. همچنین در مناطق گوناگون جهان، زمینه‌های گوناگونی را می‌توان بسته به نوع کیفیت کلی زندگی و سطح آگاهی در آن کشورها یا مناطق مختلف، در اولویت قرار داد. در این باره سعی کرده‌ایم حوزه‌ای از مناطق را انتخاب کنیم که حقوق ناشنوایان، از جمله زبان اشاره، آموزش، تفسیر زبان اشاره، (هم برای ناشنوایان، هم برای افراد عادی) و استخدام را با امید به ارائه اطلاعات برای همگان مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم. همچنین اطلاعات روزآمدی را درباره فعالیت‌هایی که فدراسیون جهانی ناشنوایان^۱ با همکاری سازمان ملل، سازمان فرهنگی، علمی و آموزش سازمان ملل، در جهت ارتقای وضعیت ناشنوایان با استفاده از ابزارها و برنامه‌های حقوق بشر سازمان ملل انجام داده است، ارائه دهیم. به نظر می‌رسد که حوادث امروز جهان، ماده یک اعلامیه جهانی حقوق بشر را بی‌ارزش کرده است. در زمان جنگ، این پرسش پیش می‌آید که آیا همه مردم واقعاً دارای وجدان و قوه تعقل هستند آنان مطمئناً با روحیه برادری با یکدیگر رفتار نمی‌کنند. در زمانهایی این چنین، اطمینان از رعایت حقوق بشر حتی مهم‌تر به نظر می‌رسد.

فدراسیون جهانی ناشنوایان معتقد است که جنگ، راه‌حل هیچ اختلافی نیست. با وجود این، وقوع جنگ و پی‌آمدهای پس از آن، ناشنوایان را تحت تأثیر قرار داده است. ما باید مطمئن شویم حقوق آنان نقض نمی‌شود و ناشنوایان نیز، همانند سایر شهروندان در کشورهای خویش به خدمات یکسان دسترس دارند. هیئت مدیره فدراسیون جهانی ناشنوایان معتقد است که پناهندگان ناشنوا، امروزه و در چند سال آینده در اولویت قرار دارند. این هیئت، همچنین قدمهایی در جهت همکاری نزدیک‌تر با سازمان‌های بشردوست، برای شناسایی ناشنوایانی که نیازمند خدمات آن هستند، برداشته تا خدمات مربوط به زبان اشاره را در کشورهایی که به ناشنوایان توجهی ندارند، ارائه دهد. فدراسیون جهانی ناشنوایان در حال ارائه بیانیه‌ای درباره ناشنوایان زمان جنگ است. حتی در زمان صلح، نیازهای انسان، مهم به شمار می‌رود و برای دانستن یک حقوق بشر درست، این نیازها باید برآورده گردد. دالای لاما^۲، هنگام گرفتن جایزه صلح نوبل در ۱۹۸۹ گفته بود: «اگرچه، احساس می‌کنم این بیانیه درباره اوضاع کنونی جهان بسیار مناسب است. نیازهای مختلف مردم جهان را در برمی‌گیرد و تأکید می‌کند که حقوق بشر را می‌توان به طرق مختلفی معنا کرد که البته

کلیه این معناها حائز اهمیت‌اند. صلح به معنای عدم جنگ، برای فردی که از سرما و گرسنگی در حال مرگ است، ارزش چندانی ندارد. صلح، درد شکنجه‌ای را که بر زندانیان سیاسی وارد می‌شود التیام نخواهد بخشید. صلح، کسانی را که عزیزانشان را در سیلابی که بر اثر جنگ‌زدایی بی‌رحمانه کشور همسایه پدید آمده، آرامش نخواهد بخشید. صلح تنها در جایی می‌تواند ادامه یابد که به حقوق بشر احترام گذاشته می‌شود؛ جایی که مردم گرسنه نباشند ملتها آزاد باشند».

وضعیت حقوقی ناشنوایان:

ناشنوایان سراسر جهان باید حقوق بشر را به طور کامل مطالبه کنند. حقوق بشر چیست؟ بشر یعنی همه افراد از جمله ناشنوایان، که آنان نیز، بدون در نظر گرفتن معیارهایی چون فقر یا ثروت، صحت یا بیماری، توانایی یا ناتوانی، مؤمن یا کافر، همگی انسان به شمار می‌روند. حق، قدرتی است که به همه این‌ها ارزانی گشته است. تقریباً همه کشورها قوانینی وضع کرده‌اند که نشان دهنده حقوق افراد است. حقوق بشر، با امتیاز متفاوت است. برای نمونه، لازمه رانندگی، آموزش است و کسب گواهینامه رانندگی نیز یک امتیاز محسوب می‌شود نه حق. از این رو، مردم حق دارند مهارت‌های خویش را نشان دهند تا چنین امتیازی نصیب آنان گردد. طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل، کاهش یا ضعف قدرت شنوایی نمی‌تواند به عنوان یک محدودیت برای حقوق بشر تلقی گردد. با وجود این، اغلب ناشنوایان هنوز هم در زندگی روزمره از تبعیض‌هایی رنج می‌برند؛ مثلاً خدمات تفسیر زبان اشاره همیشه برای ناشنوایان در دادگاهها، بیمارستانها، محل کار و دیگر اماکن، قابل دسترس نیست. در بیشتر کشورها، ناشنوایان می‌توانند با فرد دلخواه خویش ازدواج کرده، تشکیل خانواده دهند؛ اما قوانین سابق که ازدواج آنها با دیگر معلولان را رد می‌کرد، هنوز در برخی کشورها اعمال می‌شود. اگرچه، ناشنوایان می‌توانند رأی دهند، اغلب به فعالیت‌های سیاسی همچون مبارزات و سخنرانی‌های سیاسی راه نمی‌یابند. لازمه عضویت در بعضی از مجالس، توانایی سخن گفتن است و استفاده از زبان اشاره ممنوع است. آکس ندزی^۱، یکی از اعضای مجلس اوگاندا، مشکلی در استفاده از خدمات رابطها نداشت، زیرا طبق قانون اوگاندا، زبان اشاره یک زبان رسمی به شمار می‌رود. برخلاف آقای ندزی، خانم ویلیام نیوهودت دروچن^۲، که صاحب یک کرسی در مجلس افریقای جنوبی گردید، مجبور شد همه اعضای مجلس را متقاعد سازد که استفاده وی از رابط در کلیه فعالیت‌های سیاسی را بپذیرند و آن را تحمل کنند. تجربه مجلس اوگاندا نشان می‌دهد که رسمیت شناختن زبان اشاره، دسترسی ناشنوایان به فعالیت‌های سیاسی را افزایش می‌دهد. آموزش رایگان و اجباری برای شصت تا نود درصد از کودکان ناشنوا در بسیاری از کشورها امکان‌پذیر نیست. دولت در این گونه کشورها، کودکانی را که یک یا بیش از یک زبان رسمی فرا گرفته‌اند، تحت آموزش قرار می‌دهد. کسانی را که زبانی غیر عادی و یا غیر قابل تحمل برای تکلم استفاده می‌کنند، از این حقوق محروم می‌کند و این، یکی از موارد تبعیض به شمار می‌رود. متأسفانه نقض اعلامیه جهانی حقوق بشر، اغلب رخ می‌دهد. از آنجا که سازمان ملل نمی‌تواند کشورهای ناقض حقوق بشر را زندانی یا جریمه کند، ضروری است که ستمدیدگان برای تشکیل اسناد ویژه زیر، با سازمان ملل همکاری کنند:

1. The Honorable Alex Ndeezi
2. Newhoudt Druchen

1. World Federation of the Deaf (WFD)
2. Dalai Lama



کلاس زبان و سوادآموزی ناشنوایان بزرگسال، اصفهان، ۱۳۵۱

که همچنان مشهود است. زنان، اغلب مجبور به پذیرفتن شغل‌هایی می‌شوند که از سطح توانایی یا تجربه آنان کمتر است. ازدواج تحمیلی هنوز در بسیاری از کشورها، یک مشکل است. از سوی دیگر، زنان ناشنوا در ازدواج مورد پسند نیستند؛ زیرا مردان، چه شنوا، چه ناشنوا، معتقدند زنان شنوا وظایف روزمره خود را بهتر انجام می‌دهند. چنین تبعیضات آشکاری، نقص اعلامیه جهانی حقوق بشر است که در پی ایجاد مساوات و بسط و گسترش آن است. دفتر عالی حقوق بشر دفتر سازمان ملل، چندین کتابچه به زبان‌های گوناگون، درباره آموزش حقوق بشر و گزارش نقض با اعمال تبعیض‌آمیز منتشر کرده است. خبرنامه ماهیانه دی‌زیلیتی‌تری‌بیون^۱ که از سوی سازمان آگاهی از معلولان منتشر می‌شود، منبع اطلاعاتی دیگری درباره حقوق بشر است.

ماده‌های قوانین:

در قانون ۵ مربوط به تجهیزات کشورهای هدف برای ایجاد تساوی حقوق، بخش بسیار مهمی وجود دارد. ماده ب این قانون که درباره دستیابی به اطلاعات و ارتباطات است، برای سازمان‌های ناشنوایان، که می‌خواهند از تلویزیون برای پخش برنامه‌های خبری و دیگر برنامه‌ها به زبان اشاره برای ناشنوایان استفاده کنند، مفید است. این ماده همچنین از توسعه برنامه‌های ویدیویی و تلویزیونی به زبان اشاره و داشتن زیرنویس در برنامه‌ها حمایت می‌کند. در این رابطه به بند ۷ و ۹ در صفحه ۲۳ قانون اساسی ملل متحد توجه کنید.

چنانچه کودکان ناشنوا، مادرزاد، برای برقراری ارتباط از یک سالگی از زبان اشاره استفاده کنند، پیشرفت بیشتری در مدرسه، کار و اجتماع خواهند داشت و به همین دلیل است که سازمان‌های ناشنوایان، باید با والدین کودکان ناشنوا در پرورش کودکان آنها و آموزش زبان اشاره با خانواده همکاری کنند.

سازمان‌های ناشنوایان باید مسئولان آموزشی کشور را متقاعد کنند که آموزش به کودکان ناشنوا باید بر اساس زبان اشاره باشد؛ زیرا استفاده از زبان اشاره توانایی‌های یادگیری را در همه ابعاد زبان، چه گفتاری و چه نوشتاری، افزایش می‌دهد. مدارس ناشنوایان باید معلمان ناشنوایی را استخدام کنند که کودکان ناشنوا با دیدن آنها احساس قدرت و

کنوانسیون حقوق کودکان کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان وضع قوانین استاندارد درباره برابری فرصت‌ها برای معلولان. امروزه سازمان‌های بین‌المللی معلولان، از جمله فدراسیون جهانی ناشنوایان و سایر سازمان‌های عضو اتحادیه بین‌المللی معلولان و برخی از دولتها به صورت جدی، خواستار تشکیل کنوانسیون بین‌المللی حقوق بشر معلولان هستند. کنوانسیون حقوق کودکان دارای چندین اصل است که برای کودکان ناشنوا نیز قابل اجراست. نخستین اصل، بیانگر این نکته مهم است که استفاده از زبان اشاره نباید موجب نقض حقوق کودکان شود، زیرا زبان اشاره هنوز در بسیاری از کشورها به صورت یک زبان، به رسمیت شناخته نشده است. در قانون اساسی بیش از ده درصد از کشورهای جهان، زبان اشاره به عنوان یک زبان رسمی پذیرفته نشده است. حال آنکه در سایر کشورها، زبان اشاره را در قوانین سیاست‌گذاری خویش پذیرفته‌اند. سایر کشورها، سازمان بهداشت جهانی، سازمان یونسکو و سازمان ملل، باید این گرایش را برای ناشنوایان سایر کشورهایی که هنوز از زبان اشاره خود حمایت قانونی نمی‌کنند، پافشاری کنند.

طبق اصل پنجم، کودکان معلول باید در شرایط ویژه، از درمان، آموزش و مراقبت‌های ویژه برخوردار گردند. با ترکیب اصل یکم و اصل پنجم، این کنوانسیون به وضوح اعلام می‌دارد که زبان مخصوص ناشنوایان نه تنها باید به رسمیت شناخته شود، بلکه باید در مدارس نیز، مورد استفاده قرار گیرد. تحقیقات به عمل آمده در زمینه‌های زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، بارها ثابت کرده است که زبان اشاره و زبان گفتاری در امر آموزش، کاربردی مشابه دارند. طبق اصل نهم این کنوانسیون، کودکان به هیچ دلیلی نباید استثمار شوند. گفتار شفاهی^۱، ممکن است نوعی استثمار تلقی شود؛ زیرا به کودکان ناشنوا اجازه نمی‌دهد در زندگی روزمره از زبان طبیعی خویش استفاده کنند. چنانچه کودکان به مدارس فرستاده شوند که معلولیت آنان نادیده انگاشته شود، حقوق آنان نقض می‌گردد. کنوانسیون حقوق کودکان، برای فدراسیون‌های ملی ناشنوایان در مبارزه با گفتار شفاهی یا فروپاشی مدارس کودکان، مفید خواهد بود. ستم به زنان، یکی از مشکلات همیشگی جهان امروز است

اعتماد به نفس کنند و راههای اداره کردن زندگی را بیاموزند (قانون ششم سازمان ملل متحد مربوط به آموزش).

تحقیق درباره زبان اشاره در سطح دانشگاه و توسعه مطالب آموزشی، باید از پیش نیازهای کلاسهای پیشرفته^۱ آموزشی زبان اشاره به والدین، معلمان، رابطان و سایر شنوایان را در برگیرد.

قانون ۷ درباره استخدام نیز، برای ناشنوایان اهمیت بسیار دارد.

نمونه‌های فراوانی حاکی از مهارت کارگران ناشنوا در دست است و چنانچه تحت آموزش و تربیت مناسب قرار بگیرند، بازدهی قابل توجهی در محدوده وسیعی از مشاغل فکری و جسمی خواهند داشت. ناشنوایانی که آموزش مناسب می‌بینند، ممکن است خود شغلی را برگزینند و ناشنوایان بسیاری را استخدام کنند.

از سازمان‌های ناشنوایان انتظار می‌رود در توسعه خدمات به ناشنوایان چند معلولیتی و ناشنوایانی که نیازمند خدمات ویژه هستند مشارکت کنند. این افراد، باید شرایطی یکسان با سایر افراد جامعه در دستیابی به خدمات اجتماعی- آموزشی و حرفه‌ای داشته باشد.

قانون ۸ و ۹ سازمان ملل متحد، تمامی ناشنوایان و به ویژه ناشنوایان چند معلولیتی را نیز شامل می‌شود. کشورهایی که ناشنوایان را از حق ازدواج و داشتن فرزند محروم می‌کنند، عملاً با حقوق بشر، مخالفت کرده‌اند. سازمان‌های ناشنوایان باید با موانع قانونی که ناشنوایان را از حق ازدواج و داشتن فرزند محروم می‌کنند، مبارزه کنند. تجاوز جنسی به دختران ناشنوی جوان در بعضی از کشورها یک پدیده متداول و مرسوم است که سازمان‌های ناشنوایان باید بدون هیچ تأملی با این جنایت وحشتناک مبارزه کنند (بند ۴ از قانون ۹ درباره زندگی خانوادگی و سلامت فردی).

اگرچه جداسازی زبان اشاره از فرهنگ ناشنوایان، در بسیاری از کشورها معمول است، سازمان‌های ناشنوایان باید برای از بین بردن مداخله‌ای که باعث این جداسازی می‌شود اقدام کنند (قانون ۱۰ سازمان ملل متحد درباره فرهنگ). استفاده از این قانون همچنین برای در دسترس قرار دادن خدمات فرهنگی جامعه به ناشنوایان نیز مفید است.

قانون ۱۱ درباره ورزش و تفریح است. فدراسیون جهانی ناشنوایان^۲ پیشنهاد می‌نماید چنانچه در کشورهای عضو برای ناشنوایان فعالیتهای ورزشی وجود ندارد، فوراً در این باره اقدام نموده، سعی نمایند هر چه زودتر عضو کمیته بین‌المللی ورزشی ناشنوایان شوند. این فدراسیون همچنین از سازمان‌های بین‌المللی ناشنوایان (عضو) می‌خواهد که برای ایجاد و توسعه فرصتهایی که ناشنوایان در هر سنی و با هر معلولیت دیگری بتوانند در فعالیتهای ورزشی شرکت کنند، اقدام نمایند؛ زیرا سلامت جسمانی، توانایی فرد را در مدرسه و در کار افزایش می‌دهد.

مطابق قانون ۱۲، در هر دین و مذهب، تمامی خدمات و اقدامات انجام شده باید به زبان اشاره در دسترس ناشنوایان قرار گیرد و سخنرانیهای مذهبی باید به زبان اشاره برای ناشنوایان ترجمه شده، به صورت فیلم ویدیویی در اختیار آنان قرار گیرد تا ناشنوایان از آگاهیهای مذهبی دور نباشند.

سازمان‌های ناشنوایان باید مسئولیت ارزیابی اقدامات انجام شده در موارد فوق را بپذیرند. یکی از راههای انجام این مسئولیت، جمع‌آوری اطلاعات درباره نحوه زندگی ناشنوایان است که خود می‌تواند مبنای تحقیقات آینده باشد (قانون سیزدهم سازمان ملل متحد). یکی دیگر از مسئولیتهای مهم سازمان‌های ناشنوایان، شرکت در اجرای طرحها و تعیین سیاست درباره ناشنوایان است که قانون ۱۴ سازمان ملل متحد در این رابطه می‌باشد. برای نمونه،

1. Advance
2. WFD

شرکت در تصویب قانون مربوط به ارائه تفسیر به زبان اشاره و یا تغییر قوانین حاکم در آموزش موجود، به جهت اینکه زبان اشاره به عنوان یکی از زبان‌های آموزشی شناخته می‌شود، سازمان‌های ناشنوایان می‌توانند به وزارت آموزش و پرورش کشور در تعیین بودجه مورد نیاز در رابطه با ارائه خدمات رابطی به ناشنوایان کمک کنند. سازمان‌های ناشنوایان باید در ایجاد هماهنگی درباره کلیه اقدامات انجام شده در موارد فوق شرکت نمایند (قانون ۱۷ سازمان ملل متحد امور هماهنگی). بدون همکاری سازمان‌های ناشنوایان، مشکل می‌توان در ایجاد و توسعه شرایطی یکسان با سایر افراد جامعه، برای ناشنوایان اقدام کرد. مطابق قانون ۱۸ سازمان ملل متحد درباره سازمان‌های معلولان و همچنین قانون اهمیت حیات، سازمان‌های ناشنوایان نقش مهم مشاور را ایفا می‌کنند. سازمان‌های ناشنوایان باید فعالیتهای خود را به شیوه‌های مختلف توسعه دهند. با استفاده از کتاب چگونگی تأسیس و مدیریت سازمان ناشنوایان، این سازمان‌ها می‌توانند به عنوان مثال در جهت تربیت مدیران اجرایی در نقاط مختلف کشور برای ناشنوایان اقدام نمایند تا با اطمینان از میزان تواناییها و مهارتهای ناشنوایان، برای احقاق حقوق آنها در ایجاد شرایط یکسان و دستیابی به اهداف قوانین سازمان ملل متحد تلاش نمایند. سازمان‌های ناشنوایان بایستی در اجرای قانون ۱۹ آموزش، قانون ۲۰ کنترل و ارزشیابی ملی برنامه‌های معلولان و قانون ۱۴ همکاری اقتصادی و فنی مشارکت داشته باشد. سازمان‌های عضو می‌توانند با دبیر کل فدراسیون جهانی ناشنوایان و یا رئیس دبیرخانه منطقه خود، برای دستیابی به اطلاعات، جلب حمایت، انجام امور مشاوره‌ای که در جهت اجرای قوانین استاندارد فدراسیون جهانی ناشنوایان مثل چگونگی ارائه خدمات رابطی و یا اجرای دوره تربیت رابط، تماس بگیرد.

ناشنوایان در نظام حقوقی ایران

برای سامان دادن به وضعیت ناشنوایان، در کشورهای مختلف، قوانینی وضع شده است. برخی از این قوانین از سوی دستگاههای قانونگذار تصویب شده است. نیز با تلاش نهادهای ناشنوی در سراسر جهان، نظام حقوقی خاصی برای ناشنوایان پدید آمده است.

نخستین بار مجلس شورای ملی در مهر ۱۳۳۸ قانون آموزش حرفه‌ای معلولان و اشتغال آنان را به تصویب رساند. در مرداد ۱۳۵۳ تشکیل وزارت رفاه اجتماعی، در همان مجلس، مورد تأکید قرار گرفت و قانون تأمین خدمات توان‌بخشی برای معلولان جسمی، روانی و اجتماعی، تصویب شد.

پس از انقلاب اسلامی، مجلس شورای اسلامی در ۱۳۶۴ تأسیس سازمان بهزیستی را تصویب کرد. وظیفه اصلی این سازمان رسیدگی به معلولان از جمله ناشنوایان بود.

این مجلس، قوانین بسیاری در حمایت از حقوق همه معلولان از جمله ناشنوایان به تصویب رساند. برای نمونه، در ماده نهم قانون اشتغال، تمامی شرکتهای تعاونی معلولان را از پرداخت مالیات بر درآمد، معاف اعلام کرد.

یکی از اقدامات دستگاه قانون‌گذاری، این بود که قانون الحاق ایران به نهادهای بین‌المللی معلولان و ناشنوایان را تصویب کرد. برای نمونه، در اسفند ۱۳۷۲ الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنفرانس حقوق کودک را مجاز شمرد. این اجازه، متضمن حمایت بین‌المللی از حقوق کودکان ناشنوا بود. تمامی قوانین مصوب در ایران، از سوی گروه توان‌بخشی ناشنوایان در دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، گردآوری و تنظیم شد و در جزوه‌ای با عنوان «قوانین مربوط به معلولان در قانون اساسی»،

حق انتخاب شدن به نمایندگی شورای اسلامی:

به موجب بند ششم ماده بیست قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب هفتم آذر ۱۳۷۸ نایبانی و ناشنوایی و ناگویایی مانع ثبت نام برای انتخابات مجلس شورای اسلامی است. در حالی که اگر نابینا یا ناشنوایی، واجد سایر شرایط مورد اعتماد اکثریت رأی دهندگان یک حوزه انتخابیه باشد، نابینا با کمک یک منشی و ناشنوا با کمک یک رابط زبان اشاره خواهد توانست وظایف نمایندگی خود را انجام دهد و اگر با وجود این، امکان انجام وظیفه نمایندگی آنها برای انتخاب کنندگان رضایت بخش نباشد، به آنها رأی نخواهند داد.

بنابراین، نباید این حق اساسی ناشنوایان و نابینایان را نادیده گرفت؛ زیرا به موجب شرط سوم ماده بیست و هفتم قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخاب کنندگان باید عاقل باشند.

حقوق مدنی:

به موجب ماده ۹۵۶ قانون مدنی، اهلیت برای دارا بودن حقوق، با تولد انسان شروع و با مرگ او تمام می شود. طبق ماده ۹۵۷ قانون مدنی، حمل از حقوق مدنی برخوردار می گردد، مشروط بر اینکه زنده متولد شود. همچنین، به موجب ماده ۹۵۸ قانون مدنی، هر انسانی از حقوق مدنی، برخوردار خواهد بود؛ ولی هیچ کس نمی تواند حقوق خود را اجرا کند؛ مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد. بر اساس قانون مدنی، اشخاص محجور، یعنی صغار، اشخاص غیر رشید و مجانین، از مصرف در اموال و حقوق مالی خود، ممنوع هستند و به مستفاد مجموعه مواد مذکور، مسلم است که ناشنوایان هم از کلیه حقوق مدنی متمتع هستند و هم اهلیت اجرای حقوق خود را دارند؛ از جمله از حقوق مدنی زیر برخوردارند:

انواع علاقه به املاک و اموال، حق انعقاد قرارداد خصوصی، حق انواع عقود و معاملات و ایقاعات، حق وراثت، حق انتخاب همسر و ازدواج، حق ولایت و حضانت، حق داشتن حساب بانکی، حق امضا و ثبت سند رسمی.

حق اخذ گواهینامه رانندگی:

ناشنوایان واجد شرایط، حق دارند گواهینامه رانندگی اخذ کنند و با مشخص کردن وسیله نقلیه خود با علامت ناشنوا، رانندگی کنند.

در سطح محدود منتشر شد. از سوی دیگر، در حقوق اساسی ایران، ناشنوایان همانند دیگر شهروندان از حقوق مساوی برخوردارند. برخی از مواد قانونی در حقوق ایران تحلیل می شود.

با توجه به بند چهاردهم اصل سوم و اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ناشنوایان مانند سایر افراد ملت، در برابر قانون برابر هستند؛ در حمایت قانون قرار دارند؛ از حقوق مساوی برخوردارند و هیچ یک از اصول قانون اساسی، ناشنوایان را از حقوق اساسی مقرر برای سایر افراد ملت، محروم نکرده است؛ اما در سه مورد از حقوق اساسی ناشنوایان، خواهیم دید که تا چه اندازه بدانها عمل می شود.

از آنجا که ناشنوایی، مانع آموزش اطفال ناشنوا به طریق عادی است، برای تأمین امکان آموزش کودکان ناشنوا و ایجاد فرصت برابر و استفاده آنها از حق آموزش، ماده واحده قانون عادی تشکیل سازمان آموزش و پرورش استثنایی مصوب بیست و یکم آذر ۱۳۶۹ مجلس شورای اسلامی «با توجه به اهمیت ویژگی های توان بخشی، تعلیم و تربیت کودکان و دانش آموزان استثنایی اعم از نابینایان، نیمه بینایان، ناشنوایان، نیمه شنوایان...» قانونگذار، تأسیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی را مقرر داشته و اساسنامه این سازمان، در ۲۹ مرداد ۱۳۷۰ به تصویب کمیسیون آموزش و پرورش مجلس شورای اسلامی رسیده است و با توجه به مجموع مقررات تدوین شده، آموزش ویژه کودکان ناشنوا در مدرسه ها و یا در کلاس های مخصوص ناشنواها در مدرسه های عادی حق مسلم کودکان ناشنواست.

با وجود اینکه چند سال است تعداد قابل توجهی از جوانان ناشنوا به مؤسسات آموزش عالی راه یافته و دانش آموخته شده اند و یا به تحقیق در این مؤسسات اشتغال دارند، با توجه به سختیها و رنجهای این قبیل دانشجویان در رقابت ورودی با دانشجویان شنوا و نیز، در دوره آموزش عالی، جا دارد برای تأمین فرصت عملی آموزش آنان در برابری با دانشجویان شنوا، در ورود به مؤسسات آموزش عالی برای داوطلبان ناشنوایان سهمیه ای مقرر گردد؛ و برای برخورداری از این سهمیه، رقابت ورودی بین ناشنوایان باشد. افزون بر این، آموزش دانشجویان ناشنوا، در کلاس های خاص و یا یک مؤسسه خاص یا قسمت خاصی از مؤسسات موجود، متمرکز شود که مشکل ارتباطی آنها در بهره گیری از درس های استادان با استفاده از تعداد کمی رابط زبان اشاره برطرف شود. دیگر قوانین مصوب شده، عبارتند از:

حق اشتغال و استخدام:

تبصره یکم قانون مصوب سوم بهمن ۱۳۶۰ دولت را ملزم می کند که برای استخدام ده درصد از پرسنل مورد نیاز خود، از بین جانبازان انقلاب اسلامی و بستگان شهدا، اقدام کند. برای تأمین برابری عملی فرصت اشتغال معلولان، از جمله ناشنوایان، با سایر افراد ملت، از این ده درصد، سه درصد به معلولان اختصاص داده شده است. در مورد اجرای این قانون، هیچ اطلاع و آماری منتشر نشده است و به نظر می رسد آیین نامه اجرایی این قانون، محتاج به تجدیدنظر باشد. برای تأمین فرصت اشتغال ناشنوایان در بخش خصوصی نیز، هیچ تمهیدی وجود ندارد.

حق تشکیل جمعیت:

ناشنوایان، با تشکیل کانونهای خاص خود، در نقاط مختلف کشور از حق تشکیل سازمان، موضوع اصل بیست و ششم قانون اساسی، برخوردارند.



استفاده از زبان اشاره:

به موجب ماده ۶۴ قانون ثبت اسناد رسمی، استفاده از زبان اشاره در کشور ما، به عنوان یک وسیله ارتباطی با ناشنوایان پذیرفته شده و عمل مستمر دستگاههای دولتی نیز، به معنای تأیید عرفی زبان اشاره در کشور ماست.

طبق ماده ۶۴ مذکور، در صورتی که طرفین معامله و یا یکی از آنها، کور، گنگ و یا بی‌سواد باشد، علاوه بر معرفی یکی از اشخاص مزبور، باید همراه خود یک نفر از معتمدین خود را حاضر نماید. معتمد مزبور، در مورد اشخاص کر و گنگ باید از جمله اشخاصی باشد که بتواند با کمک اشاره، مطلب را بفهماند.

در تاریخ قانون‌گذاری ایران، برای اولین بار، مواد ۱۹۲ و ۱۹۴ قانون مدنی اشاره را به عنوان وسیله تفهیم و تفاهم، به رسمیت شناخته شده است. این مواد، جزء قانون مدنی، در ۱۳۰۷ در مجلس قانون‌گذاری وقت، به تصویب رسید.

حق استخدام رابط و مترجم:

استفاده از مترجم زبان اشاره در مواردی که شاکی یا متهم ناشنوا باشد، در مراجع انتظامی و قضایی به عنوان یک اصل مقبول و معمول است.

با توجه به اهمیت صورت تحقیقات تنظیمی از سوی مأموران تحقیق (انتظامی یا قضایی)، و نیز، صورت‌جلسات دادرسی دادگاهها و مشکل ناشنوایان در درک و اظهار مطالب، و به همین سبب، احتمال تنظیم اسناد مزبور بر مبنای سوء تفاهم و اشتباه، تقاضای جامعه ناشنوایان از مسئولان مربوط، اتخاذ تدبیرهایی است که تحقیقات از ناشنوایان، به عنوان متهم یا متشاکی، با حضور و امضای رابط و مترجم باشد. به طور کلی، تنظیم هیچ یک از اسناد مزبور با امضا یا اثر انگشت یک ناشنوا، بدون حضور و دخالت و امضای مترجم قابل قبول نباشد تا آن سند معتبر باشد و هیچ ناشنوایی، از روی ناتوانی، سندی را به ضرر خود امضا نکند.

البته، سامان دادن امور مترجمی ناشنوایان و اعزام فوری آنها به مراجع انتظامی یا قضایی در موارد لزوم، از وظایف سازمان‌های خدماتی ناشنوایان خواهد بود.

حق استفاده از رسانه‌های عمومی:

سالهاست که روزهای جمعه، برنامه اخبار ناشنوایان با اشاره اجرا می‌شود و افزون بر این، چند سال است که مستمراً بعضی برنامه‌های تلویزیونی را یک اشاره‌گر برای ناشنوایان ترجمه می‌کند. با این همه، حق ناشنوایان در استفاده از اشاره، کامل نیست و بهبود کیفیت آموزش و زندگی ناشنوایان، توسعه استفاده از اشاره را ایجاب می‌کند.

قوانین عام:

قوه مقننه ایران، مصوباتی برای معلولان داشته که ناشنوایان را نیز در برمی‌گیرد. برای آشنایی با این قوانین، برخی از آنها مطرح می‌شود. نمایندگان مجلس شورای اسلامی، طرح فوریتی تأمین حقوق معلولان و ایجاد تسهیلات لازم را در نشست علنی خود بررسی کرده، مصوبه فوق را به عنوان ماده ۲ این طرح تصویب کردند.

بر اساس این مصوبه، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفاند برای دسترس و بهره‌مندی معلولان، ساختمانها، اماکن عمومی، ورزشی و تفریحی، معابر و وسایل خدماتی موجود را در چارچوب بودجه‌های مصوب سالانه خود، مناسب‌سازی کنند.

شهرداری‌ها نیز موظفاند از صدور پروانه احداث و یا پایان کار برای آن

تعداد از ساختمانها و اماکن و معابری که ضوابط تخصصی مربوط به معلولان را رعایت نکرده‌اند، خودداری کنند.

بر اساس این مصوبه، سازمان بهزیستی مجاز است بر امر مناسب‌سازی ساختمانها و اماکن دولتی و عمومی دستگاههای یاد شده، نظارت و گزارش اقدامات آنها را درخواست کند.

آیین‌نامه اجرایی این ماده، ظرف سه ماه، به طور مشترک توسط وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان بهزیستی کشور و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

بر اساس ماده ۳ این طرح، سازمان بهزیستی، موظف شد اقدامات ذیل را برای رفاه حال معلولان، انجام دهد: تأمین خدمات توان‌بخشی، حمایتی، آموزشی و حرفه‌آموزی مورد نیاز معلولان با مشارکت خانواده‌ها، گسترش مراکز خاص نگهداری، آموزشی و توان‌بخشی معلولان واجد شرایط با همکاری بخش غیردولتی و پرداخت تسهیلات اعتباری و یارانه به آنها.

نمایندگان مجلس در ماده ۴ طرح، تصویب کردند که معلولان می‌توانند در استفاده از امکانات ورزشی، تفریحی، فرهنگی و وسایل حمل و نقل دولتی (مترو، هواپیما، قطار) از تسهیلات نیم‌بها بهره‌مند شوند.

طبق این مصوبه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تربیت بدنی و شهرداریها موظفاند کتابخانه، اماکن ورزشی، پارک و اماکن تفریحی خود را به نحوی احداث و تجهیز کنند که امکان بهره‌مندی معلولان فراهم شود.

نمایندگان مجلس در مصوبه دیگری تصریح کردند که افراد تحت سرپرستی معلولان، با معرفی سازمان بهزیستی کشور، تحت پوشش بیمه خدمات درمانی و خود معلولان، تحت پوشش بیمه خدمات درمانی و بیمه مکمل درمانی قرار می‌گیرند.

بر اساس مصوبه نمایندگان در ماده ۷ این طرح، یکی از فرزندان والدینی که خود ناتوان و معلول بوده (هر دو یا یکی از آنها معلول باشد) و یا حداقل دو نفر از فرزندان آنها ناتوان و معلول باشند، از انجام خدمت وظیفه عمومی معاف می‌شود.

همچنین، همسرانی که زن ناتوان و معلول خود را سرپرستی می‌کنند، مادامی که سرپرستی همسر ناتوان و معلول خود را بر عهده داشته باشند، از انجام خدمت وظیفه عمومی معاف می‌شوند.

در ماده ۸ این طرح، نیز دولت موظف شد برای ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد معلول، حداقل سه درصد از مجوزهای استخدامی (رسمی، پیمانی، کارگری) دستگاه‌های دولتی و عمومی راه، اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌ها و نهادهای عمومی و انقلابی و دیگر دستگاه‌هایی که از بودجه عمومی کشور استفاده می‌کنند به افراد معلول واجد شرایط اختصاص دهد.

همچنین حق بیمه سهم کارفرما، توسط سازمان بهزیستی کشور تأمین و به کارفرمایی که افراد معلول را به کار می‌گیرند، پرداخت می‌شود. پرداخت تسهیلات اعتباری خود اشتغالی (وجوه اداره شده) به افراد معلول، به میزان مشخص شده در قوانین بودجه سالانه و پرداخت تسهیلات اعتباری (وجوه اداره شده) برای احداث واحدهای تولیدی و خدماتی اشتغال‌زا، به شرکت‌ها و مؤسساتی که بیش از شصت درصد سهام و سرمایه آن متعلق به افراد معلول است، از دیگر وظایف دولت است.

بر اساس این مصوبه، حداقل شصت درصد از پستهای سازمانی تلفنچی (اپراتور تلفن) دستگاهها، شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی، به نابینایان، کم‌بینایان و معلولان جسمی- حرکتی اختصاص می‌یابد.

همچنین شصت درصد از پستهای سازمانی متصدی دفتری و

منظور می‌شود. نمایندگان مجلس شورای اسلامی در ماده ۱۸ نیز، منابع مالی اجرای این قانون را تصویب کردند.

آقای مهدی کروبی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی، در پایان تصویب این طرح گفت: «این مصوبه، خدمت کوچکی به معلولان است».

وی از اداره قوانین مجلس شورای اسلامی خواست که سریع‌تر برای ارسال این مصوبه به شورای نگهبان اقدام کند.

همچنین، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این نشست، طرح الحاق یک تبصره به ماده ۵۸ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را تصویب کردند.

بر اساس این مصوبه که به عنوان تبصره ۳ ماده ۵۸ قانون برنامه سوم توسعه تصویب شد، هیئت امنای صرفه‌جویی ارزی، در معالجه بیماران، از شمول این ماده مستثنا است.

طبق ماده ۵۸ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی، از ۱۳۷۹ کلیه تخفیف‌ها، ترجیحات و معافیت‌های مالیاتی و حقوق گمرکی کلیه دستگاه‌ها، مؤسسات، نهادهای انقلابی و عمومی غیردولتی، جز در مورد بخش‌های فرهنگی، به غیر از معافیت‌های برقرار شده بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی تجاری و واردات کاغذ برای تهیه کتابهای درسی آموزش و پرورش، لغو می‌شود.

منابع:

اندرسون و دیگران، ترجمه رضیه افتخاری، *دانشنامه ناشنوایان*، جلد ۲، ص ۵۵۸-۵۶۳؛ *پیمان‌نامه کودک*، تهران، یونیسف؛ شکست سکوت، ش ۱۰ (تابستان ۱۳۸۳)، ص ۱۱۰؛ *قوانین مربوط به معلولین در قانون اساسی*، گروه توان‌بخشی ناشنوایان در دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی؛ محمد نوری، *دانشنامه ناشنوایان*، ج ۱، ص ۱۹۲-۱۹۸ و ج ۲، ص ۵۶۴-۵۶۴؛ پاکزاد، محمود، *هیاهو در دنیای سکوت*، تهران، ۱۳۷۵، ص ۲۸-۳۵.

WFD News, Vol. 16, No. 2, July 2003, P. 1- 6



قانون
law

ماشین‌نویسی دستگاهها، شرکتها و نهادهای عمومی به معلولان جسمی- حرکتی اختصاص می‌یابد.

طبق این مصوبه، کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی، مجازند تا سقف مجوزهای استخدامی سالانه خود، ناپینایان و ناشنوایان و معلولان ضایعات نخاعی واجد شرایط را، رأساً به صورت موردی و بدون برگزاری آزمون استخدامی، به کار گیرند.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی نیز موظف است سه درصد از مجوزهای استخدامی سالانه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات دولتی، شرکتها و نهادهای عمومی و انقلابی را کسر و در اختیار سازمان بهزیستی کشور قرار دهد تا نسبت به برگزاری آزمون استخدامی برای معلولان واجد شرایط با همکاری این سازمان، اقدام نماید و معلولین واجد شرایط پذیرفته شده را حسب مورد، به دستگاه مربوط معرفی کند.

نمایندگان مجلس در ماده ۹ این طرح تصویب کردند: معلولان نیازمند واجد شرایط، در سنین مختلف می‌توانند با معرفی سازمان بهزیستی، از آموزش رایگان در واحدهای آموزشی تابعه وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگر دستگاههای دولتی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی بهره‌مند شوند.

همچنین بر اساس ماده ۱۰ این طرح، وزارت مسکن و شهرسازی، بانک مسکن و بنیاد انقلاب اسلامی موظف‌اند حداقل ده درصد از واحدهای مسکونی احداثی، استیجاری و ارزان قیمت خود را به معلولان نیازمند فاقد مسکن اختصاص دهد و با معرفی سازمان بهزیستی کشور، به آنان واگذار نماید.

بر اساس این مصوبه، سازمان ملی زمین و مسکن موظف شد زمین مورد نیاز برای احداث واحدهای مسکونی افراد معلول فاقد مسکن را به نرخ کارشناسی تأمین و در اختیار این افراد یا تعاونیها و مؤسسات خیریه‌ای که برای آنان مسکن احداث می‌کنند، قرار دهند.

بر اساس این مصوبه، معلولان از پرداخت هزینه‌های صدور پروانه ساختمانی، آماده‌سازی زمین و عوارض نوسازی معاف می‌شوند.

بر اساس ماده ۱۳ نیز، سیستم بانکی کشور موظف است از منابع قرض‌الحسنه خود، تسهیلات اعتباری قرض‌الحسنه را با بازپرداخت ده ساله، برای خرید اتومبیل مورد نیاز معلولان جسمی، حرکتی و ضایعات نخاعی قرار دهد.

طبق ماده ۱۴ سازمان صدا و سیما موظف است حداقل دو ساعت از برنامه‌های خود را در هر هفته و در زمان مناسب، به برنامه‌های سازمان بهزیستی کشور و آشنایی مردم با توانمندیهای معلولان اختصاص دهد.

بر اساس مصوبه نمایندگان در ماده ۱۵، سازمان بهزیستی کشور موظف است با ایجاد سازوکار مناسب، نسبت به قیومیت افراد معلول، اقدام کند.

دادگاه‌ها موظف‌اند در نصب یا عزل قیم معلولان، صرفاً از طریق سازمان بهزیستی، عمل و مبادرت به صدور حکم کنند.

به موجب ماده ۱۶ در این طرح، مؤدیان مالیاتی می‌توانند از طریق سازمان بهزیستی کشور و با نظارت این سازمان، برای احداث مراکز توان‌بخشی، درمانی، حرفه‌آموزی و مسکن مورد نیاز معلولان اقدام کنند.

گواهی هزینه مؤدیان مالیاتی در موارد فوق، که به تأیید سازمان بهزیستی کشور رسیده باشد، به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی آنها